

بررسی ظرفیت‌های تعلیمی حکایات کلبه و دمنه برای مخاطبان کودک و نوجوان

حسین یزدانی احمدآبادی^۱، ایوب مرادی^۲ و سودابه شیرالی^۳

^۱دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران، h_yazdani@pnu.ac.ir

^۲دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران، ayoob.moradi@pnu.ac.ir

^۳دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی Ssoudabeh48@gmail.com

چکیده

کلبه و دمنه با نام سنسکریت «پَنچَه تَنترَه»، یکی از کتاب‌های کهن هندوان است. نام سنسکریت این کتاب یعنی، پَنچَه تَنترَه، به معنی پنج فصل است که فیلسوفی به نام بیدپا، آن را در بیان اندیشه‌های حکمی و تعلیمی هندوان باستان به نگارش درآورده است. کلبه و دمنه را برزویه طبیب در روزگار خسرو انوشیروان به ایران آورد و به زبان پهلوی ساسانی بازگرداند. سپس این کتاب از زبان پهلوی ساسانی به زبان عربی و سپس فارسی و دیگر زبان‌ها برگردانده شد. اهمیت کلبه و دمنه به سبب تبیین مفاهیم تعلیمی در قالب داستان‌های شنیدنی و جذاب است. این کتاب به سبب آنکه نقش آفرینان داستان‌هایش جانوران هستند، از دیرباز دارای جذابیت بسیار به ویژه برای کودکان و نوجوانان بوده است. در این پژوهش سعی بر آن است که با روش تحلیلی و توصیفی به ظرفیت‌های تعلیمی کلبه و دمنه، متناسب با نیازهای طبقه سنی کودک و نوجوان تبیین شود. یافته‌های این پژوهش، گویای آن است که مفاهیمی چون راستی، درستکاری، یک‌رویی، وفاداری، نوع‌دوستی، اتحاد، مهربانی، احتیاط و خردورزی، مهمترین مفاهیم آموزنده هستند که کلبه و دمنه به مخاطبان کودک و نوجوان خویش منتقل می‌سازد.

کلیدواژه‌ها: داستان کودک، داستان نوجوان، مخاطب کودک، مخاطب نوجوان، ادبیات تعلیمی، کلبه و دمنه.

۱- مقدمه

یکی از مهم‌ترین و بارزترین ویژگی آثار کهن ادبیات فارسی، نشان دادن مفاهیم اخلاقی، حکمی و تعلیمی در قالب روایت در شکل‌های متفاوت آن مانند حکایت، فابل، تمثیل و لطیفه است. از جمله این کتاب‌ها، کلیله و دمنه است که هرچند در نگاه نخست، به دلیل متکلف بودن و دشواری فهم آن برای خوانندگان متوسط و عمومی، ممکن است چندان قابل استفاده به نظر نرسد، اما از یک سو با تغییر و به‌روزرسانی در متن و از سوی دیگر با بالاتر آوردن سطح مخاطب عمومی و مجرب و آموخته ساختن وی، می‌توان از ذخیره گرانبهای حکمت‌های نهفته در حکایت‌های این کتاب ارزشمند نهایت بهره را برد و دقیقاً به همین سبب است که در طول تاریخ، بازنویسی و بازآفرینی کلیله و دمنه، از دغدغه‌های نویسندگان و شاعران اندیشمندی بوده است که با بازنویسی یا سرایش تمام متن یا با بازنویسی و سرایش پاره‌هایی از آن، تلاش کرده‌اند که مخاطب را به کلیله و دمنه نزدیک سازند. حفظ و احیای محتوای تعلیمی و آموزشی این گونه آثار ارزشمند ادب پارسی که سرشار از مضامین اخلاقی و حکمی است، امروزه بیش از پیش ضروری و حیاتی می‌نماید. نقش‌آفرینی حیوانات در آثار ادبی با بستری طولانی و متنوع، شیوه و شگردی است که از حضور تکراری و یکنواخت شخصیت‌های انسانی می‌کاهد و به اثر جذابیت و تنوع می‌بخشد. در برخی از آثار تعلیمی، نویسندگان منظور خویش را از زبان حیوانات بیان کرده‌اند، زیرا در برخی دوران‌ها امکان مستقیم‌گویی وجود نداشت و اساساً مستقیم‌گویی، اغلب فاقد تأثیر بیان غیرمستقیم و کنایی و تمثیلی است. در نتیجه پند و حکمت یا حتی اعتراض از زبان حیوانات بیان می‌شد و چنین طرز بیانی در متون کهن چه در ایران و چه در میان دیگر ملل، نمونه‌های بسیار دارد. همچنین دلیل دیگر بیان داستان‌ها از زبان حیوانات شاید این باشد که گاه برخی از ویژگی‌های انسانی به حیوانات نزدیک است و سبب می‌شود تا نویسنده، شخصیت‌های انسانی داستان خویش را به حیوانات بدل کند و آنها را در داستان‌هایش بیاورد، مانند انسان‌های چابک که در داستان‌های تمثیلی به صورت پلنگ بازنموده می‌شوند و انسان‌های مرموز که به روباه و مار تشبیه می‌شوند و درنده‌خویان به گرگ و قدرتمندان به شیر و ساده‌لوحان به گاو و پاکان به کبوتر.

شاید عنوان «داستان در خدمت تعلیم»، یکی از محوری‌ترین و بنیادی‌ترین عنوانی باشد که ویژگی «هدف» دسته بزرگی از آثار کهن پارسی را توصیف می‌کند. در این میان، راز ماندگاری کلیله و دمنه، آن است که نکات سرشت مشترک همه انسان‌ها از زبان حیوانات بیان می‌شود و در آن، همسویی عاطفی از نوع عاطفه انسانی است که سبب شده تا این اثر در ردیف شاهکارهای ادبی قرار گیرد.

۱-۱- بیان مسئله

ادبیات کودک و نوجوان هرچند که با همین نام و به صورت مستقل در متون کهن پارسی حضور نداشته‌است، اما به حسب ماهیت، موجودیتی دیرینه و بس کهن در میراث ادبی ایرانیان داشته‌است. آفرینش کتاب مرزبان‌نامه، همت گماشتن به آوردن کتاب کلیله و دمنه از هند به ایران با صعوبت‌هایی که در مقدمه آن از قول برزویه طبیب نقل شده و سپس ترجمه‌ها و بازنویسی‌های مکرر آن، نگارش کتاب ارجمند قابوسنامه که خطاب به فرزند امیر زیاری است و سرایش کتاب بدیع و درخور توجه نصاب الصبای ابن‌نصر فراهی، همه بیانگر توجه دیرینه ایرانیان به فراهم آوردن مجموعه‌های ارزشمند ادبی برای کودکان و نوجوانان است. این آثار جملگی ارزش تعلیمی دارند و به لحاظ محتوا در نوع ادبی تعلیمی و اخلاقی می‌گنجد و به لحاظ فرم، بیش‌تر تمثیلی‌اند. ایرانیان همچنین در حوزه ادبیات اندرزی نیز که دارای مشابهت‌ها و مقارنت‌های فراوان با ادبیات تعلیمی است، پیشینه‌ای دیرینه دارند و انبوهی از آثار به جا مانده از زبان فارسی میانه که یا به صراحت نام «اندرزنامه» بر آن‌هاست یا محتوای اندرزی دارند، مانند اندرز خسرو کوادان، اندرز اوشنر، اندرز زرتشت و دیگر آثار این حوزه، نشانگر توجه دیرینه ایرانیان به پدیده‌های اندرز و تعلیم و تربیت است. در این میان، کلیله و دمنه به سبب قدمت بسیار و مهاجرتش از زادگاه خویش به چندین کشور و زیستن در میان چندین ملت و انعطافی که برای پذیرش شرایط تازه در میان اقوام و ملل متفاوت و متنوع یافته‌است، شایان توجهی ویژه است و شهرتی ویژه نیز در ادبیات تعلیمی یافته‌است. کتاب کلیله و دمنه که در اصل خود، «پنجه نتره» نام داشته، مجموعه‌ای از تجارب کهن و اندیشه‌های ژرف دانایان هندی بوده که در قالب حکایت‌هایی تمثیلی بیان شده تا خواننده در مطالعه آن دچار ملال نشود. این کتاب از گنج‌های پادشاهان هند بوده و از خروج آن از هندوستان

ممانعت می‌کردند. برزویه طبیب در مأموریتی مخفی از جانب خسرو دوم، انوشیروان ساسانی و با بذل سالیانی از عمر و مال بسیار موفق به خارج ساختن آن از هند شد و به نوعی، آغاز جهانی شدن این کتاب، از آن دم و به همت ایرانیان بود. از آن پس کلیله و دمنه ترجمه‌ها و بازنویسی‌های بسیار یافت و در میان ملت‌ها سفر کرد و بر فرهنگ‌های گوناگون تأثیر نهاد و از آن‌ها تأثیر پذیرفت. با توجه به استقلال یافتن ادبیات کودک و نوجوان فارسی در سده اخیر و توجه روزافزون به این حوزه ادبیات و با توجه به جایگاه والای کلیله و دمنه در ادبیات تعلیمی، در این پژوهش برآنیم که ظرفیت‌های کتاب مذکور را برای کاربردی داستان‌های کلیله و دمنه در تعلیم و تربیت کودکان و نوجوانان بررسی نماییم. در سده اخیر بازنویسی و تلخیص‌های متعددی از این کتاب ارزشمند به زبان فارسی صورت گرفته و آثار بصری چندی بر اساس آن ساخته شده‌است و این خود بیانگر ظرفیت‌های فراوان کلیله و دمنه و از سوی دیگر اقبال و استقبال مخاطبان ایرانی در قبال این کتاب است.

ظرفیت‌های کلیله و دمنه برای کاربردی در حوزه تعلیم و تربیت هم به لحاظ محتوا شایان توجه است و هم به لحاظ صورت و فرم و نحوه اجزا. در حوزه محتوا، این اثر، حاوی بسیاری از مفاهیم است که برای بهتر زیستن بشر لازم اند و با آموختن آن‌ها به کودکان می‌توان آنان را در سمت و سوی آرمان «انسان» شدن پیش برد. از زمره این مفاهیم می‌توان به راستی، درستکاری، یکرویی، وفاداری، نوع‌دوستی، مهربانی، شفقت و رأفت، فداکاری، حزم و احتیاط، خرد و خردورزی، تلاش، تدبیر و دیگر مفاهیم شایسته تعلیم اشاره کرد. در حوزه فرم و شیوه اجرا نیز کلیله و دمنه مبتنی بر فرمی مناسب برای کاربرد در حوزه تعلیم کودکان و نوجوانان است، زیرا الگوی اصلی طرح مطالب در این کتاب، الگوی گفت‌وگوست که هم زاینده ملال است و هم از آمرانه بودن تک‌گویی که موجب مقاومت مخاطب می‌شود، عاری است. از سوی دیگر، ساختار حکایت‌های کلیله و دمنه، نمایشی است و از این جهت، ظرفیت‌های مثبت هنرهای نمایشی و دراماتیک برای ابلاغ کارتر پیام، در این کتاب به خوبی موجود است. نیز شخصیت‌های این کتاب از جهان غیرانسانی برگزیده شده‌اند و سپس به آن‌ها جان انسانی و شخصیت مردم‌وار داده شده‌است و این موجب جذابیت بیشتر برای کودکان و نوجوانان و جلب همراهی آنان با داستان‌های کلیله و دمنه می‌شود و قوه خیال و نیروی احساس را بیش از داستان‌هایی که بر سبیل معمول با شخصیت‌های انسانی پیش می‌روند، فعال می‌سازد. با توجه به ظرفیت‌هایی که نمونه‌وار برای کلیله و دمنه در حوزه تعلیم کودک و نوجوان ذکر شد و با توجه به ترجمه‌ها، تلخیص‌ها و بازنویسی‌های مکرری که از این کتاب صورت گرفته و با اقبال مخاطب نیز مواجه بوده‌است، در این پژوهش برآنیم که به بررسی گسترده‌تر این ظرفیت‌ها مطابق با فرضیه‌ها و سوالات مطرح شده در ادامه، بپردازیم.

۱-۲- پیشینه تحقیق

در حوزه بررسی کلیله و دمنه به طور اعم و بررسی کلیله و دمنه از جنبه‌های تعلیمی، برخی کارهای پژوهشی شده‌است که در ذیل به نمونه‌هایی اشاره می‌شود:

- مقاله «تعلیم الگوی حکومت در کلیله و دمنه و گلستان سعدی» (۱۳۹۹)، اثر آسیه ذبیح نیا عمران و سمیه سنگکی، منتشرشده در پژوهشنامه ادبیات تعلیمی. این مقاله صرفاً بر تعلیم الگوی حکومت متمرکز شده است و ادبیات تعلیمی و ظرفیت‌های آن را کلیله و دمنه بررسی نکرده‌است.

- مقاله «تحلیل ظرفیت‌های آموزشی حکایت‌های کلیله و دمنه به کودکان غیر فارسی‌زبان» (۱۳۹۹)، اثر سیده نرجس نیری فلاح، منتشر شده در همایش الزامات آموزش زبان و ادبیات فارسی در مدارس، مراکز زبان‌آموزی، دانشگاه‌ها و فضای مجازی. ابعاد این اثر، در حد گنجایش یک مقاله همایشی است و به لحاظ موضوعی نیز تنها کودکان غیرفارسی زبان را در برمی‌گیرد و به همین سبب به حسب موضوع، انطباق با پژوهش حاضر ندارد.

- مقاله «بررسی آموزه اخلاقی صداقت در کتاب کلیله و دمنه و افسانه‌های لافونتن» (۱۳۹۹)، اثر علی عسکری و صدیقه جلال، منتشرشده در چهارمین همایش بین‌المللی زبان و ادبیات فارسی. این پژوهش تنها بر بررسی صداقت متمرکز شده‌است و این آموزه اخلاقی را به صورت تطبیقی میان کلیله و دمنه و افسانه‌های لافونتن بررسی می‌کند

- مقاله «بررسی اخلاق مدیریتی در کلیله و دمنه» (۱۳۹۵)، اثر فاطمه شیخلووند و ته‌مین مستعلی‌زاد، منتشرشده در پژوهشنامه ادبیات تعلیمی. این مقاله محدوده‌ای خاص از اخلاقیات یعنی تنها اخلاق مدیریتی را دربرمی‌گیرد و به لحاظ موضوعی، منطبق با موضوع پژوهش حاضر نیست.

- مقاله «بررسی ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها در کتاب کلیله و دمنه» (۱۳۹۹)، اثر محمد بازاریار، منتشرشده در همایش سومین کنگره ملی فرهنگ و ادبیات فارسی. این مقاله متمرکز بر بررسی ارزش‌ها و ضدارزش‌هاست و خود پدیده ادبیات تعلیمی و ظرفیت‌های آن را در کلیله و دمنه، بررسی و تحلیل نمی‌کند و از این جهت با پژوهش حاضر، انطباق دامنه موضوعی ندارد.

۱-۳- روش تحقیق

روش این پژوهش، ترکیبی از دو روش توصیفی و تحلیلی همراه با سرشماری است و داده‌های مورد استفاده نیز به روش مطالعه کتابخانه‌ای فراهم می‌شود. نخست بسترسازی‌های مقتضی و لازم برای معرفی کتاب کلیله و دمنه بحث‌های نظری مربوط به ادبیات تعلیمی مطرح می‌شود همچنین به سبب آنکه ادبیات تعلیمی به لحاظ اغراض و برخی از موضوعات با ادبیات اندرزی در پیوند است و با توجه به اهمیت و پیشینه بسیار کهن ادبیات اندرزی در میان ملت ایران و در زبان فارسی، خواه ناخواه به معرفی ادبیات اندرزی نیز پرداخته می‌شود سپس با تمرکز بر متن کتاب کلیله و دمنه ظرفیت‌های تعلیمی موجود در این کتاب به بررسی کشیده می‌شود.

۲- بحث

کلیله و دمنه سرشار از آموزه‌های اخلاقی است و این آموزه‌ها از آن جهت پربار و ارزشمند هستند که برآیندی از اندیشه قرن‌های طولانی اندیشمندان در هند و ایران بوده‌اند. به همین سبب این کتاب را می‌توان گنج حکمت‌های ژرف بشری دانست. هر گوشه‌ای از این کتاب مشحون از آموزه‌هایی است که برای تعلیم و تربیت نیکوی فرزندان به کار می‌آید و اگر بخواهیم همه این پندها را فهرست کنیم، در حقیقت باید همه کتاب کلیله و دمنه را نقل نماییم، زیرا کم‌تر صفحه‌ای از این کتاب پربار هست که خالی از پندهای آموزنده باشد. یک ویژگی ظاهری این پندها آن است که به مناسبت شخصیت‌پردازی کلی کتاب، این کتاب پندها اغلب خطاب به پادشاه ایراد می‌شوند، اما مخاطب آنها نوع بشر است و هر کس در آن قلمرو که پادشاه است می‌تواند این پندها را به کار گیرد و پادشاهی خویش را سامان بخشد؛ آن کس که پادشاه خانه خویش است و خانه خداست، در خانه خود می‌تواند این پندها را به کار گیرد و آن کس که پادشاه شهر خویش است، در شهر خود و آن کس که پادشاه کشور خویش است، در کشور خود و آن کس که پادشاه نفس خویش است، در نفس خود و هر کس در قلمرو خود می‌تواند این پندها را به کار گیرد. بنابراین هنگام بحث و بررسی از پندها، اگرچه خطاب به پادشاه است، اما این تخصیص، مانع از شمول مصداق نمی‌گردد. در ادامه به برخی از مهم‌ترین ظرفیت‌های محتوایی کلیله و دمنه که مفید برای آموزش کودکان است، در قالب آموزه‌های اخلاقی پرکاربرد در این کتاب، پرداخته می‌شود:

۳-۱-۱- آشناسازی مخاطب با نظام پاداش و کیفر

یکی از مهمات تعلیم و تربیت کودک، آشنا ساختن او با نظام تشویق و تنبیه یا پاداش و کیفر است. کودکان از پاداش گرفتن شاد می‌شوند و از دریغ شدن پاداش، درهم می‌شوند و این مقدمه‌ای است برای آنچه کودک در نوجوانی و سپس در تمام زندگانی با وسعت بیش‌تر خواهد دید و چشید، اما نیازی نیست که خود کودک را بعینه در معرض تجربه پاداش و کیفر قرار داد و این مهم را می‌توان به ادبیات تعلیمی و مرور تجارب دیگران در قالب شعر و قصه بازگذاشت (سادات شریفی و حیایی طهرانی، ۱۳۹۶: ۱۰۹). راه‌های نیکویی و عواطف انسانی بی‌تردید بسیار زیاد است و انسان‌ها اعم از مردمان خواص و عوام برای کسب و به کارگیری آن‌ها سختی‌ها و زحمت‌های بسیاری را باید متحمل شوند. در سایه نظام پاداش و کیفر است که رثابت برای رسیدن به پاداش و دورماندن از کیف موجب توسعه جامعه انسانی می‌شود و این رقابت، سرمایه رونق بشریت و بسط داد و عدل می‌شود. نامتساوی بودن انسان‌ها در نظام پاداش و کیفر، موجب تحرک انسان می‌شود. تشویق و تنبیه در ایجاد انگیزه، تلاش و سوق جامعه به سمت سازندگی و حق‌محوری تأثیر بسزا دارد و فروگذاشتن این اصل جامعه را به سوی انحطاط و عقب‌ماندگی سوق خواهد داد. نویسنده «کلیله و دمنه» تشویق را امری ضروری در طبیعت

می‌داند: «المکافاه فی الطبیعه واجیه» (نصرالله منشی، ۱۳۹۲: ۲۳۲). این مضمون در بسیاری از آثار ادب تعلیمی ایرانیان حضور پررنگ دارد. برای نمونه سعدی نیز بر آن است که تشویق کارایی دارد: «یکی از ملوک عرب (شنیدم) متعلقان دیوان را فرمود که مرسوم فلان را چندان که هست مضاعف کنید که ملازم درگاه است و مترصد فرمان و سایر خدمتگاران به لهنه و لعب مشغول و در ادای خدمت متهاون» (سعدی، ۱۳۶۸: ۷۸). تشویق و تنبیه باید متناسب با ظرفیت و موقعیت افراد باشد و اگر بیش از حد ضرورت باشد، در کودک و نوجوان نه تنها اثر نیکو نمی‌گذارد، بلکه موجب احساس ستم در او می‌شود. در کلیه و دمنه، فواید تشویق و تنبیه این گونه بیان می‌شود: «جماعتی که خویشتن در محل لذات دارند، اگر اندک نخوتی و تمردی اظهار کنند در تقدیم و تحریک ایشان بدان اندازه مبالغت رود که عزت و هیبت پادشاهی اقتضا کند، خاص و عام لشکر و رعیت را از عجز و انقیاد آن مشاهدات کند و چون این قدرت بدیدند، سر به خط آوردند در اکرام و انعام فراخور علو همت و فرط سیادت آن افراط فرموده می‌آید» (نصرالله منشی، ۱۳۹۲: ۳۹۱). در این توصیه، با قید «بدان اندازه مبالغت کند که...» به وضوح بر اصل تناسب در کیفیت و پاداش تأکید می‌شود و این تناسب بر اساس غایت و هدف تنبیه و پاداش تعیین می‌شود و اگر این غایت و هدف، فراهم نشود، اساساً پاداش و کیفیت، بی‌فایده و نقض غرض خواهد بود.

۳-۱-۲- تعلیم راست‌گویی و راست‌کرداری

طبع انسان به راستی و صداقت، میل ذاتی دارد و اگر این طبیعت در کودک و نوجوان، تربیت شود، به شکوفایی می‌رسد و اگر رها شود، ممکن است که در کشاکش حوادث، نقص پذیرد (عباسی ولدی، ۱۳۹۶: ۶۳). در کلیله و دمنه، صداقت و راستی را نوعی دیانت و هم‌معنی آن می‌بینیم: «و از تقریب هشت کس حذر واجب است... و پنجم آنکه بنا بر کارهای خود بر عداوت نهد و نه بر راستی و دیانت...» (نصرالله منشی، ۱۳۹۲: ۳۲۵). و نیز «گفت: کارایدون حکیم برجای است، هر چند اصل او به براهمه نزدیک است اما در صدق و دیانت بریشان راجح است و حوادث عالم بیشتر پیش چشم دارد.» (همان: ۳۶۶).

البته در کلیله و دمنه، پست‌ترین دوست، دوستی دانسته شده که در تنگ‌دستی و تنگ‌حالی، دوستی و صداقت را کنار بگذارد: «...و لئیم‌تر دوستان اوست که در حال شدت و نکبت دوستی و صداقت را مهمل گذارد...» (همان: ۳۰۲). در داستان «دو شریک یکی زرنگ و دیگری ساده لوح»، شریک زرنگ، چون اساس کار خود را بر بی‌مروتی گذاشت و کرداری به دور از صداقت داشت، جان پدر بر سر کار نهاد: «دو شریک بودند یکی دانا و دیگر نادان، و به بازارگانی می‌رفتند. در راه بدره‌ای زر یافتند، گفتند: سود ناکرده در جهان بسیار است، بدین قناعت باید کرد و بازگشت. چون نزدیک شهر رسیدند خواستند که قسمت کنند، آن که دعوی زیرکی کردی گفت: چه قسمت کنیم؟ آن قدر که برای خرج بدان حاجت باشد بگیریم، و باقی را به احتیاط به جایی بنهیم، و هر یک چندی می‌آییم و به مقدار حاجت می‌بریم. بر این قرار دادند و نقدی سره برداشتند و باقی در زیر درختی به اتقان بنهادند و در شهر رفتند. دیگر روز آنکه به خرد موسوم و به کیاست منسوب بود بیرون رفت و زر ببرد: و روزها بران گذشت و مغفل گذشت و مغفل را بسیم حاجت افتاد. به نزدیک شریک آمد و گفت: بیا تا از آن دفرینه چیزی بگیریم که من محتاجم. هر دو به هم آمدند و زر نیافتند، عجب بردند. زیرک در فریاد و نفیر آمد و دست در گریبان غافل در مانده زد که: زر تو برده‌ای و کسی دیگر: خبر نداشته است. بیچاره سوگند می‌خورد که: نبرده‌ام. البته فایده نداشت. تا او را به در سرای حکم آورد و زر دعوی کرد و قصه باز گفت. قاضی پرسید که: گواهی یا حجتی داری؟ گفت: درخت که در زیر آن مدفون بوده است گواهی دهد که این خائن بی‌انصاف برده است و مرا محروم گردانیده. قاضی را از این سخن گفت آمد و پس از مجادله بسیار میعاد معین گشت که دیگر روز قاضی بیرون رود و زیر درخت دعوی بشنود و به گواهی درخت حکم کند. آن مغرور به خانه رفت و پدر را گفت که: کار زر به یک شفقت و ایستادگی تو باز بسته است. و من به اعتماد تو تعلق به گواهی درخت کرده‌ام. اگر موافقت نمایی زر ببریم و هم‌چندان دیگر بستانیم. گفت: چیست آنچه به من راست می‌شود؟ گفت: میان درخت گشاده است چنان که اگر یک دو کس در آن پنهان شود نتوان دید. امشب بیاید رفت و در میان آن بود، فردا چون قاضی بیاید گواهی چنان که باید بداد. پیر گفت: ای پسر، بسا حیل‌تا که بر محتال وبال گردد. و مباد که مکر تو چون مکر غوک باشد. گفت: چگونه؟ (پسر) گفت: ای پدر کوتاه کن و

درازکشی در توقف دار، که این کار اندک موونت بسیار منفعت است. پیر را شره مال و دوستی فرزند در کار آورد، تا جانب دین و مروت مهمل گذاشت، و ارتکاب این محفظور به خلاف شریعت و طریقت جایز شمرد، و برحسب اشارت پسر رفت. دیگر روز قاضی بیرون رفت و خلق انبوه به نظاره بایستادند. قاضی روی به درخت آورد و از حال زر بپرسید. آوازی شنود که: مغفل برده است. قاضی متحیر گشت و گرد درخت برآمد، دانست که در میان آن کسی باشد - که به دالت خیانت منزلت کرامت کم توان یافت - بفرمود تا هیزم بسیار فراهم آوردند و در حوالی درخت بنهادند و آتش اندر آن زد. پیر ساعتی صبر کرد، چون کار به جان رسید زینهار خواست. قاضی فرمود تا او فرو آوردند و استمالت نمود. راستی حال قاضی را معلوم گردانید چنان که کوتاه دستی و امانت مغفل معلوم گشت و خیانت پسرش از ضمن آن مقرر گشت...» (همان، ۱۲۰-۱۱۷). صاحب کلیله و دمنه، نتیجه اخلاقی این داستان را این گونه می نویسد: «...و مغفل به برکت راستی و امانت یمن صدق و دیانت زر بستند و بازگشت» (همان). بدین ترتیب، راستی و صداقت در کلیله و دمنه، کلید رستگاری و سرمایه برخورداری و معادل و هم تراز دین است و می تولن از کایات این کتاب در تعلیم راستی و صداقت به کودکان نهایت بهره را برد.

۳-۱-۳- توصیه به هم اندیشی و مشورت

سن کودکی و نوجوانی، بهترین موقعیت برای تمرین هم اندیشی و خوی مشورت گیری است. در این دوره، کودک و نوجوان به سبب آنکه بسیاری از امور را نمی دانند، آماده است که از دیگران بپرسد و بیاموزد و اندیشه خویش را با اندیشه دیگران کمال بخشد و شکوفا سازد. این آمادگی اگر پرورده شود، از انسان، شخصیتی دارای خوی هم اندیشی می سازد و اگر به خوبی پرورده نشود و اگر کودک و نوجوان با سرکوب اندیشه مواجه شوند، در آینده خود نیز بیزار از مشورت و هم اندیشی خواهند شد. تصمیم بجا و به موقع زمانی درست و کارساز خواهد بود که از روی تشریک خرد و تجربه اتخاذ شده باشد. در کلیله و دمنه در حکایت «سه ماهی» آمده است که ماهی دوراندیش توانست با بهره گیری از خرد و تجربه خود، تصمیمی سریع و درست بگیرد و از دام بلا بگریزد؛ زیرا: «بر خردمند اندازه قوت و زور خود و مقدار مکیدات و رای دشمن پوشیده نگردد و همیشه کارهای جانبین بر عقل عرضه می کند» (نصرت الله منشی، ۱۳۹۲: ۲۰۸). پس از عمل خردمندانه ماهی نخست، ماهیان دیگر فرصت داشتند که از حاصل خرد او و از تجربه ای که با دیدن رهایی او اندوختند، خویش را نجات دهند، ماهی دوم چنین کرد، اما ماهی سوم به سبب بهره نگرفتن از حاصل خرد و تجربه دیگران، به دام افتاد. در باب «بوف و زاغ» نیز از حاکمی مدیر سخن گفت می شود که با مشورت، راهی بهتر از جنگ برای مقابله با دشمن و رسیدن به هدف برمی گزیند: «ملک گفت: اگر جنگ کراهیت می داری پس چه می بینی؟ گفت: در این کار تأمل باید کرد و در فراز و نشیب و چپ و راست آن نیکو بنگریست که پادشاهان را به ناصحان آن اغراض حاصل آید که به علت بسیار و لشکر انبوه ممکن نباشد» (همان: ۲۰۸) در کلیله و دمنه یکی از اخلاق های نیکو، مشورت خواهی و مشورت گیری دانسته شده است: «هر که بی اشارت ناصحان و مشاورت خردمندان در کارها شرع کند در زمره شیران معدود گردد و به نادانی و جهالت منسوب شود» (همان: ۲۱۰) و باز درباره مستشار امین، چنین آورده است: «... و راه نیست ملوک را از مستشار معتمد و گنجور امین که خزانه اسرار، پیش وی بگشایند و گنج رازها را به امانت و مناصحت وی سپارند و از او در امضای عزایم معونت طلبند که پادشاه اگرچه از دستور خویش در اصابت رای زیادت باشد و در همه ابواب بر وی مزیت و رجحان دارد به اشارت او فواید بیند؛ چنان که نور چراغ به مادت روغن و فروغ آتش به مدد هیزم» (همان: ۱۹۹). حاصل این پند آن است که پادشاه (و به طور کلی همه ابنا ی بشر) حتی اگر سرآمد خرد در روزگار خویش و در میان همگنان باشد، باز هم نباید مشورت خواهی و مشورت گیری را ترک کند و باید بداند که در هر سری خردی است و انسان هرچه از حاصل خردهای بیش تر، بهره گیرد، در وصول به توفیق، موفق تر خواهد بود. اهمیت مشورت گیری در کلیله و دمنه تاحدی است که حتی اگر کسی خردمند باشد، اما مشورت نگیرد، بی خرد محسوب می شود: «امضای عزیمت پیش از مشورت از اخلاق مقبلان خردمند دور افتد. (همان: ۲۰۳).

۳-۱-۴- توصیه به حزم و دوراندیشی

کودکان و نوجوانان به تبع سن خویش، نظر بلندی در اندیشه و آنچه مربوط به اندیشه ندارند، هرچند که در قوه خیال، بسیار بلندنظر و بلندپرواز هستند (ویتیکر، ۱۳۹۹: ۶۴). از این جهت لازم است که به کودکان، بُعدنظر و بلندی اندیشه آموخته شود و از جمله نگرستن به عاقبت امور و سرانجام کارهاست. این پدیده خود با آموزش نظام پاداش و کیفر در ارتباط است و به کودک و نوجوان می‌آموزد که باید سرانجام کار را دید تا به پاداش رسید و از کیفر در امان ماند. این مضمون در کلیله و دمنه، جایگاه ویژه دارد و به طرق گوناگون مطرح می‌شود. یک پیام بسیار رسا در مهم‌ترین باب کلیله و دمنه یعنی باب «الاسد و الثور»، همین یادآوری توجه به عاقب کارها و در نتیجه حزم و احتیاط در تصمیم‌گیری و عمل است که اگر رعایت نشود، موجب زیان و خسران می‌گردد. کلیله به دمنه می‌گوید: «بنگر ای نادان در وخامت عواقب حیلت خویش. دمنه گفت عاقبت وخیم کدامست؟ گفت رنج نفس شیر و سمت نقض عهد و هلاک گاو و هدر شدن خون او و پریشانی جماعت لشکر و تفرقه کلمه سپاه و ظهور عجز تو در دعوی که به رفق این کار بپرداز و بدین جای رسانیدی» (نصرالله منشی، ۱۳۹۲: ۱۰۶، ۱۰۷).

۳-۱-۵- پرورش حس عدالت‌خواهی

طبیعت انسان، متمایل به عدالت است و این طبیعت، هنگامی که بکر و دست‌خورده باشد و به اغراض دنیوی و شائبه‌های حرص و آز، نیالوده باشد، همواره آشکار و موثر در افکار و رفتار بشر است. به همین سبب کودکان و نوجوانان که حامل طبیعت بکر بشر هستند، در ذات خود عدالت‌خواهند و می‌توان با تعلیم و تربیت درست، نه‌تنها این میل را در آنان حفظ کرد، بلکه آن را پرورش داد و تقویت و شکوفا کرد. عدالت مفهومی است که بشر از آغاز تمدن خود می‌شناخته و آن را آرمان مطلوب خود می‌دانسته و برای استقرار آن کوشیده است دادگری صرفاً اصلی اخلاقی نیست بلکه بنیاد حکومت و امری کاملاً سیاسی است. «داد ضامن پایداری حکومت و بیداد عامل فروپاشی قدرت است» (رستم‌وندی، ۱۳۸۷: ۱۷). می‌توان این نظر سعدی را در این زمینه، هم‌صدا با کلیله و دمنه دانست که به پادشاه مخاطب برهنه و در حقیقت به مخاطبان و خوانندگان و شنوندگان داستان، توصیه می‌کند که هر کجا فریاد خیزد، مقصد فریاد باش و سایه بر مظلوم گستر و آفتاب داد باش (نصرالله منشی، ۱۳۹۲: ۳۷۳). کتاب کلیله و دمنه، فارغ از هندی، عربی یا ایرانی بودن آن، در زمینه‌های نفی ستم و ستایش عدالت، جهت‌گیری‌هایی خاص دارد. از دیدگاه نویسنده کلیله و دمنه، عدل باید چون خورشید شامل حال همه شود و نباید تخصیص یابد، بلکه مثل بارش باران و مثل تابش آفتاب باید عمومی باشد و اگر تخصیص یابد، دیگر عدالت نیست (همان: ۲۳۶).

۳-۱-۵- پرورش عشق به عبادت

در قرآن، عبادت مهم‌ترین غایت خلقت است بشر به اجرای آن فرمان داده شد: «رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا فَاعْبُدْهُ وَاصْطَبِرْ لِعِبَادَتِهِ هَلْ تَعْلَمُ لَهُ سَمِيًّا (مریم: ۶۵). چشاندن طعم شیرین عبادت از دوره طفولیت موجب می‌شود که کودکان ذیرش بیش‌تری برای دوره واجب شدن عبادت در سن نوجوانی شود. به همین سبب لازم است که هم لذت عبادت را به کودکان و نوجوانان چشاند و هم از امکانات ادبیات تعلیمی برای جانداختن این مسئله بسیار مهم استفاده کرد. اصطلاح عبادت نمونه‌ای از مفاهیم پیچیده است که در طول قصه‌های کلیله و دمنه به صورت متنوع عرضه می‌شود. عبادت مستلزم کناره‌گیری مرد پارسا از زندگی پست روزانه است و گاه به زهد خشک و شدید می‌انجامد. اما سبب بریده شدن پیوندهای انسانی نمی‌گردد، بلکه مستلزم برخورداری از شجاعت زندگی عملی در میان آدمیان و درنیامیختن با ایشان است، چنان که شغال قصه نهم می‌زیست: «گوشت نمی‌خورد و خون نمی‌ریخت و به زندگان آسیب نمی‌رساند.» (نصرالله منشی، ۱۳۹۲: ۳۰۸).

۳-۱-۶- دانش‌اندوزی و خوروزی

خرد و دانش، امتیاز بزرگ انسان و مابه‌الامتیاز انسان از دیگر موجودات است. بهترین سن برای دانش‌اندوزی، کودکی است و در این سن، ذهن چنان برای دانش‌اندوزی مستعد است که ابن سینا می‌گوید من هرچه خواندم در دوره کودکی خواندم و پس از آن تنها به خواننده‌هایم اندیشیدم (عباسی ولدی، ۱۳۹۶: ۸۳). در احادیث عرفانی آمده است که: «أَوَّلَ مَا خَلَقَ اللَّهُ الْعَقْلَ : نخستین چیزی که پروردگار آفریده است همانا عقل می‌باشد». گوهر یکتایی که آدمیان را از دیگر جانداران متمایز می‌کند و

به آنان قدرت تشخیص خوب از بد و خیر از شر را داده عقل و خرد است. خرد سرچشمه اخلاقیات است خرد به انسان می-فهماند که چه چیزی ارزش و چه چیزی ضدارزش است او را تا مرتبه‌ی عالی بالا می‌برد و از ملائکه برتر می‌سازد، خرد زیربنای کلیه امور مملکت‌داری است. در نهج‌البلاغه آمده است: «...وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا مَالَ أَعُوذُ مِنَ الْعَقْلِ، وَ لَا وَحْدَهُ أَوْحَشُ مِنَ الْعَجْبِ، وَ لَا عَقْلَ كَالْتَدْبِيرِ... و درود خدا بر او فرمود: سرمایه‌ای از عقل سودمندتر نیست، و تنهایی ترسناکتر از خودبینی، و عقلی چون دوراندیشی...» (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۷: حکمت ۱۰۹).

نصرت‌الله منشی در دیباچه‌اش بر کتاب کلیله و دمنه بر ارزش خردورزی صحنه می‌گذارد و بر آن است که به وسیله‌ی این کتاب می‌توان کمال خرد را ملاحظه نمود: «...و به دین کتاب کمال خرد و حصافت او می‌توان شناخت و آن جادوی‌ها که بیدپای برهمن کرده است در فراهم آوردن این مجموع و تلفیقات نغز عجیب و وضع‌های نادر غریب که او را اتفاق افتاده است از آن ظاهرتر است که هیچ تکلف را در ترکیب آن مجال وضعی تواند بود. چه هر که از خرد بهره‌ای دارد فضیلت آن بر وی پوشیده نگردد و آن که از جمال عقل محبوب است خود به نزدیک اهل بصیرت معذور باشد. نور موسی چگونه بیند کور؟! نطق عیسی چگونه داند کر؟!» (نصرت‌الله منشی، ۳۹۲: ۲۴).

از نشانه‌های خردمندی این است که انسان خردمند بر هر کسی اعتماد نکند به ویژه آنکه طرف مقابل؛ ماری زهرآگین، جانور درنده‌ی گرسنه، پادشاهی بی‌رحم و یا حاکمی بی‌دین باشد. «گفت: ثقت خردمندان به چهارکس مستحکم نگردد: ماری آشفته، و ددی گرسنه، و پادشاهی بی‌رحمت، و حاکمی بی‌دیانت» (همان: ۳۸۵).

در کلیله و دمنه، مراد از علم، در اغلب موارد تمام دانش‌هاست خواه دانش دینی و خواه دانش دنیوی. بعد از بدگمانی شیر نسبت به شنبه، در گفتگوی کلیله و دمنه، کلیله به برادرش می‌گوید: «...و زینت و زیب ملوک خدمتگاران مهذب و چاکران کافی کاردانند. و تو می‌خواهی که کسی دیگر را در خدمت شیر مجال نیفتد، و قربت و اعتماد او بر تو مقصور باشد. و از نادانی است طلب منفعت خویش در مضرت دیگران و، توقع دوستان مخلص بی‌وفاداری و رنج‌کشی و، چشم ثواب آخرت به ریا در عبادت و، معاشرت زنان به درشت‌خویی و فظاظت و، آموختن علم به آسایش و راحت. لکن در این گفتار فایده‌ای نیست، چون می‌دانم که در تو اثر نخواهد کرد...» (نصرت‌الله منشی، ۱۳۹۲: ۱۱۶).

۳-۱-۷- نیک‌خویی، مهربانی و محبت

کودکان ذاتاً مهربان هستند و می‌توان چنین انتظار داشت که اگر مهربانی ببینند، همواره بر این خوی بمانند، اما ناملایمات و سوءرفتارها و مشقات زندگی ممکن است که این نیک‌خویی و مهربانی را کم کند یا آن را به خلاف خود مبدل سازد، در اینجاست که با نظام پادشا و کیفر و نیز با تعلیم دست، می‌توان نیک‌خویی و مهربانی را در کودکان افزود و تقویت کرد (ویتیکرد، ۱۳۹۹: ۷۲). بزرگ‌ترین نتیجه‌ی عقل و خرد نیک‌خویی است. در قرآن از خُلق نیکوی پیامبر نیز یاد شده و انک لعلی خلق عظیم (قلم: ۴)؛ تو صاحب اخلاق عظیم و برجسته‌ای هستی، که این نشان‌گر این نکته است که خلق نیکو از مهمترین فضایل اخلاقی حاکم و رهبر باید باشد چون خوی نیکو از خرد سرچشمه می‌گیرد پادشاهی که دارای این فضیلت باشد دارای عقل و خرد کافی و وافی است.

تسلسل خرد، نیک‌خویی و عدل و راستی در کتاب‌های حکایات تمثیلی ایرانیان از قبیل مرزبان‌نامه، کلیله و دمنه، گلستان و مثنوی معنوی به عنوان اجزای تفکیک‌ناپذیر انسان و انسانیت آمده است و آنکه نیک‌خویی و مهربانی نداشته‌باشد، حلقه‌ی واسط میان خرد و عدل در او قطع می‌شود و اگرچه انسان خردمندی باشد، اما نمی‌تواند در عمل، عادل باشد و به داد رفتار کند. تند-خویی انسان، نشان‌دهنده‌ی کم‌خردی و بی‌عقلی اوست. اصل نیک‌خویی اصلی جهان‌شمول است و عامه مردم را در بر می‌گیرد. در کلیله و دمنه، محبت چنان قوی است که می‌تواند سبب دوستی لاک‌پشت و مرغابی شود. در داستان «لاک‌پشت و مرغابی» علاوه بر ارزش محبت به ارزش‌های دیگری نیز برمی‌خوریم. مثلاً ارزش همسایگی، آینده‌نگری، سکوت و حرف بی‌وقت نگفتن: «آورده‌اند که در آب‌گیری دو بط و یکی باخه ساکن بودند و میان ایشان به حکم مجاورت دوستی و مصادقت افتاده. ناگاه دست روزگار غدار رخسار حال ایشان بخراشید و سپهر آینه صورت مفارقت بدیشان نمود، و در آن آب که مایه حیات ایشان بود نقصان فاحش پیدا آمد. بطن چون آن بدیدند به نزدیک باخه رفتند و گفت: به وداع آمده‌ایم، پدرود باش ای دوست

گرامی و رفیق موافق. باخه از درد فرقت و سوز هجرت بنالید و از اشک بسی در و گهر بارید و گفت: ای دوستان و یاران، مضرت نقصان آب در حق من زیادت است که معیشت من بی از آن ممکن نگردد. و اکنون حکم مروت و قضیت کرم عهد آن است که بردن مرا وجهی اندیشید و حیلتی سازید. گفتند: رنج هجران تو ما را بیش است، و هرکجا رویم اگر چه در خصب و نعمت باشیم بی دیدار تو از آن تمتع و لذت نیایم، اما تو اشارت مشفقان و قول ناصحان را سبک داری، و بر آنچه به مصلحت حال و مآل تو پیوندد ثبات نکنی. و اگر خواهی که ترا ببریم شرط آن است که چون ترا برداشتیم و در هوا رفت چندان که مردمان را چشم بر ما افتد هر چیز گویند راه جدل بربندی و البته لب ننگشایی. گفت: فرمان بردارم، و آن چه بر شما از روی مروت واجب بود به جای آوردید، و من هم می‌پذیرم که دم طرکم و دل در سنگ شکنم. بطن چوبی بیاوردند و باخه میان آن به دندان بگرفت محکم، و بطن هر دو جانب چوب را به دهان برداشتند و او را می‌بردند. چون به اوج هوا رسیدند مردمان را از ایشان شگفت آمد و از چپ و راست بانگ بخواست که «بطن باخه می‌برند». باخه ساعتی خویشتن نگاه داشت، آخر بی‌طاقت گشت و گفت: «تا کور شوید. دهان گشاد بود و از بالا در گشتن. بطن آواز دادند که: بر دوستان نصیحت باشد

نیک خواهان دهند پند ولیک نیک بختان بوند پندپذیر»

(نصرالله منشی، ۱۳۹۲: ۱۱۱)

۳-۱-۸- توصیه به صبر و بردباری

کودکان سرشار از شور زندگی و تحرک اند و این هم نیکوست و هم اگر به‌درستی مهار نشود ممکن است که تبعات و نتایج ناخواسته داشته باشد شور زندگی در کودکان و نوجوانان موجب می‌شود که با نیروی بیشتر به کارها بپردازند و به طور طبیعی از تکاهل و سستی به دور باشند، اما همین شور زندگی و تحرک و میل به جنب و جوش فراوان، گاه موجب می‌شود که صبر و بردباری و حلم در آنان به کناری نهاده شود و کودکان که تعجیل دارند تا کارشان را زودتر به سرانجام برسانند و نتیجه مطلوب خویش را بگیرند، از صفت نیکوی صبر به دور می‌مانند (استیسی، ۱۳۷۸: ۹۳). به همین سبب لازم است که ضمن آموختن ویژگی تلاش و جنبش به کودکان، صبر و بردباری آموخته شود و این کار می‌تواند از طریق ادبیات تعلیمی صورت پذیرد. در قصه یازدهم خطاب به فرمانروایان یک درس قدیمی را آموزش می‌دهد که بر اساس آن نباید گذاشت کسی که حرفه‌ای را از پدر خود به ارث نبرده است بدان حرفه بپردازد... برهمن پس از آن به دوازدهمین پرسش رای پاسخ می‌دهد: از سه فضیلت ملک کدام بهتر است. حلم، سخاوت یا شجاعت؟ و بدیهی است که نخستین صفت بهترین صفات است، زیرا که فایده آن عام است و به همه رعایا می‌رسد. قصه طولانی «پادشاه و برهمنان» (نصرالله منشی، ۱۳۹۲: ۳۴۷ - ۳۹۶). این قصه نشان می‌دهد که فضیلت حلم در نزد شاهان به معنای مشاوره با دیگران است و این روشی است برای دفع‌الوقت و دستیابی به یک داوری مناسب. یک شب شاه خوابی دید و برهمنان به سود خود، آن را چنین تعبیر کردند که شاه بایستی نزدیکان خود را از میان بردارد در این صورت شاه کاملاً در اختیار ایشان قرار می‌گرفت. در این احوال ملکه ایران‌دخت دریافت که همسرش اندیشناک است، او را به سخن گرفت و دانست که نگرانی او از تعبیری است که برهمنان کرده‌اند. پس او را دلخوش کرد و تعبیر کاملاً متفاوتی را که کارایدون حکیم کرده بود به کار بستند.

در اینجا داستان ایران‌دخت که به حکمت بلار وزیر (همان: ۳۷۱ به بعد) از خشم شاه می‌رهد، به قصه مورد بحث پیوند می‌خورد. وزیر دانشمند یک سلسله اندرز مرکب از بیست و هشت پند (۱۴ بیت) به شاه می‌دهد. فضیلت حلم و بردباری به به مؤلف فرصت داده است تا طولانی‌ترین مبحث اخلاقی سراسر کتاب کلیله و دمنه را تدوین کند.

۳-۱-۹- حق‌گزاری و سپاس‌مندی

یکی از اموری که کودکان باید بیاموزند و بدانند، سپاس‌مندی و حق‌گزاری است. کودک باید بداند که راه تداوم نیکی، شناختن قدر آن و سپاس‌گزاری است و با کسی که نیکی می‌کند، باید نیکی کرد و هیچ گاه نباید کار نیک را بی‌پاسخ باقی گذاشت و در عین حال باید حدّ این سپاس‌مندی را آموخت و به کار گرفت به گونه‌ای که حق‌گزاری در قبال یک کار نباید کوچکتر از آن کار باشد، زیرا تداوم نیکی را زایل خواهد کرد (ویتیکرد، ۱۳۹۹: ۶۴). بخشی دیگر از توصیه‌های جسورانه صاحب کلیله و دمنه به پادشاه، توصیه به رعایت حق‌گزاری در عین حدشناسی و اعتدال در برخورد با نزدیکان و درباریان و یا به

عبارتی دیگر کارگزاران رده بالای حکومت است. این توصیه نیز اگرچه بنا به ساختار کلیه و دمنه، خطاب به پادشاه است، اما کلیت دارد و همه انسان‌ها را شامل می‌شود و درباره کودک و نوجوان هم مه ضرورت خاص دارد: «پادشاه باید که خدمتگاران را از عاطفت و کرامت خویش چنان محروم ندارد که یکبارگی نومید گردند و به دشمنان او میل کنند و چندان نعمت و غنیمت ندهد که به زودی توانگر شوند و هوس فضول به خاطر ایشان راه جوید، و اقتدا به آداب ایزدی کند و نص تنزیل عزیز را امام سازد: و ان من شیء الا عندنا خزائنه و ما ننزله الا به قدر معلوم، تا همیشه میان خوف و رجا روزگار می‌گذرانند، نه دلیری نومیدی بریشان صحبت کند و نه طغیان استغنا بدیشان راه جوید ان الانسان لیطغی ان رآه استغنی. و بیاید شناخت ملک را که از کژمزاج هرگز راستی نیاید و بدسیرت مذموم طریقت را به تکلیف و تکلف بر اخلاق مرضی و راه راست آشنا نتوان کرد. (نصرالله منشی، ۱۳۹۴: ۹۶-۹۴).

۳-۱-۱- گشاده‌دستی و بخشندگی

یکی از صفات نیکوی بشری، بخشندگی و گشاده‌دستی است. بخشندگی و گشاده‌دستی با حق‌گزاری تفاوت دارد و هر دو صفات نیکوی انسانی هستند، اما معادل یکدیگر نیستند، حق‌گزاری و سپاس‌مندی آن است که درباره کسی نیکی کنید در پاسخ به نیکویی که با شما کرده است، اما بخشندگی، گشاده‌دستی و آنچه در دین مبین اسلام با عنوان انفاق نیز از آن یاد می‌شود، دادن بی چشمداشت است و آن نیکی کردنی است بدون چشمداشت نیکی و بی آنکه سابقه نیکی پیش از آن وجود داشته باشد. در حقیقت حق‌گزاری، فرایندی تقریباً غریزی است، اما بخشندگی، فرایندی فراغریزی است و درجه‌ای بالاتر از رشد و تکامل انسانیت و فرد انسانی و جامعه انسانی را به نمایش می‌گذارد. همان گونه که حق‌گزاری برای کودک و نوجوان نیاز به آموزش دارد، بخشندگی نیز نیازمند آموزش است و بلکه نیاز و ضرورت بیش‌تری جهت آموزش دارد و در این مسیر می‌توان از آثار خوب ادبیات تعلیمی بهره فراوان گرفت (عباسی ولدی، ۱۳۹۶: ۵۳).

در میان شرایطی که برای موفقیت و سربلندی یک پادشاه و طبیعتاً یک انسان قید شده، تا تا پایدار بماند و از تیررس حوادث زمانه در امان بماند، یکی به جای آوردن انفاق است: «و چون پادشاه ... در انفاق حسن تقدیر به جای آورد سزوار باشد که ملک او پایدار باشد و دست حوادث مواهب زمانه از وی نتواند ربود، و در خدمت او گردد. «(همان، ۲۰۰). نصرالله منشی در ذکر فضایل اخلاقی، برخی از فضیلت‌های اخلاقی را از حوزه اخلاق کمی دور و به حوزه شرع نزدیک کرده است. مثلاً فضیلت انفاق را به گونه‌ای ذکر می‌کند که بیشتر در حوزه شرع قابل تفسیر است تا اخلاق فلسفی تدوین یافته در اخلاق ناصری: «...که ضایع‌تر مال‌ها آن است که از آن انتفاع نباشد و در وجه انفاق ننشیند...» (نصرالله منشی، ۱۳۹۲: ۳۰۲). به نظر وی، مالی که در جایی ذخیره شده (مثلاً در خزانه شخص) ضایع‌ترین اموال است حال آن‌که در دنیای مدرن امروزی، پس‌انداز مال عملی با ارزش و حتی اخلاقی است. انفاق، تضمین‌کننده سعادت اخروی دانسته شده است. در یکی از حکایات، بازرگانی فرزندان خویش را اندرز می‌گوید که در حقیقت، فضیلت انفاق را در مقابل رذیلت اسراف مورد بررسی قرار داده است: «بازرگانی بود بسیار مال و او را فرزندان در رسیدند و از کسب و حرفت اعراض نمودند. و دست اسراف به مال او دراز کردند. پدر موعظت و ملامت ایشان واجب دید و در اثنای آن گفت که: ای فرزندان، اهل دنیا جویان سه رتبت‌اند و بدان نرسند مگر به چهار خصلت. اما آن سه که طالب آنند فراخی معیشت است و، رفعت منزلت و، رسیدن به ثواب آخرت، و آن چهار که به وسیلت آن بدین اغراض توان رسید الفغدن مال است از وجه پسندیده و، حسن قیام در نگاه داشت، و انفاق در آن چه به صلاح معیشت و رضای اهل و توشه آخرت پیوندد، و صیانت نفس از حوادث آفات، آن قدر که در امکان آید. و هرکه از این چهار خصلت یکی را مهمل گذارد روزگار حجاب مناقشت پیش مرادهای او بدارد. برای آنچه هر که از کسب اعراض نماید نه اسباب معیشت خویش تواند ساخت و نه دیگران را در عهد خویش تواند داشت؛ و اگر مال به دست آرد و در تثمیر آن غفلت ورزد زود درویش شود. چنانکه خرج سرمه اگرچه اندک اندک اتفاق افتد آخر فنا پذیرد؛ و اگر در حفظ و تثمیر آن جد نماید و خرج بی وجه کند پشیمانی آرد و زبان طعن در وی گشاده گردد، و اگر مواضع حقوق را به امساک نامرعی گذارد به منزلت درویشی باشد از لذات نعمت محروم و با این همه مقادیر آسمانی و حوادث روزگار آن را در معرض تلف و تفرقه آرد» (همان: ۵۹).

۳-۱-۱۱- مدیریت خشم

یکی از اموری که کودک و نوجوان در قبال آن ناآموخته هستند و اگر به درستی درباره آن تحت آموزش قرار نگیرند، ممکن است که در ایجاد ارتباطات اجتماعی در آینده بحران‌زا شود، مدیریت خشم است. خشم پدیده‌ای است غریزی و طبیعی و از آن چاره‌ای و گزیری نیست. آنچه بسیار مهم است، مدیریت خشم است که انسان بتواند آن را در موقعیت مناسب به کار گیرد، زیرا وجود خشم موجب دفع ضرر است و فقدان آن، فرایند جلب نفع و دفع ضرر را متوقف می‌کند، پس چاره‌ای جز وجود خشم نیست، اما این خشم باید در اختیار انسان باشد نه آنکه انسان در اختیار خشم قرار گیرد، بنابراین باید به درستی در این زمینه سرمایه‌تعلیمی گذاشته شود و مدیریت خشم به کودکان و نوجوانان آموخته شود (استیسی، ۱۳۷۸: ۴۲). خشم در قرآن با دو واژه‌ی سخط و غضب بیان شده است. واژه‌ی غضب چندین بار تکرار شده و در همه موارد این خدای متعال است که خشمگین می‌شود. آن که مورد خشم و غضب پروردگار واقع شده باشد باید از منظر مردم نیز منفور واقع شود: یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ قَدْ يَئِسُوا مِنَ الْآخِرَةِ كَمَا يَئِسَ الْكُفَّارُ مِنْ أَصْحَابِ الْقُبُورِ (ممتحنه: ۱۳)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید با قومی که خداوند آنها را مورد غضب قرار داده دوستی نکنید، آنها از آخرت مأیوسند همانگونه که کفار مدفون در قبرها مأیوس می‌باشند.

در کلیله و دمنه، خشم پادشاه و نوع انسان، به طور کلی امری مذموم نیست، بلکه افراط در خشم مذموم است و حتی از آفات پادشاهی برشمرده است: «...و گویند که آفت ملک شش چیز است: ... و تنگ‌خویی؛ افراط خشم و کراهیت و غلو در عقوبت و سیاست ...» (نصرالله منشی، ۱۳۹۲: ۸۱-۸۰). پادشاه رو به فتنه، از لطف خود در حق مردم و حتی دشمنانش سخن می‌گوید و وانمود می‌کند که تا کنون حتی بر دشمنانش نیز خشم نگرفته است: «ملک گفت: بدان که من انتقام و تشفی را از معایب روزگار مردان شمرم و هرگز از روزگار خویش در آن مبالغت روا نینم.

خشم نبوده‌ست بر اعدام هیچ چشم ندیده‌ست در ابروم چین»

(همان: ۲۸۷)

۳-۱-۱۲- بخشش و عفو

از دیگر اوصاف حسن بشر که باید در کودک و نوجوان پرورش یابد، حس بخشایش و عفو است؛ اینکه کودک دریابد که نیکی را می‌توان با نیکی پاسخ گفت، اما بدی را لزوماً نباید با بدی پاسخ گفت و باید در قبال بدی‌ها در صورت امکان، بخشش و عفو را در پیش گرفت. اگر نظام تنبیه و پاداش، مرحله‌ای نزدیک به فرایندهای غریزی و طبیعی را به نمایش می‌گذارد، عفو و بخشش، مراحل پیشرفته‌تر از فرهنگ و تمدن بشری را به ظهور می‌رساند و مرحله‌ای از انتزاع و درک غیر مادی و فرا طبیعی را پیش چشم متصور می‌کند. در این مرحله در قبال یک پدیده مادی یک پدیده ماده دیگر مبادله نمی‌شود، بلکه انسان می‌آموزد که می‌تواند از پاسخ‌های طبیعی مبتنی بر غریزه و نفوذ اثر عبور کند و نه تنها بدی را به بدی پاسخ نگوید، بلکه گاه حتی بدی را به نیکی پاسخ گوید و بدکننده را بدین ترتیب با پاسخی موثرتر مواجه سازد (عباسی ولدی، ۱۳۹۶: ۸۳). قرآن عفو را در حد و اندازه امر به معروف دانسته و این نشانگر اهمیت عفو در اخلاق اسلامی است: «خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ (اعراف: ۱۹۹)؛ با آنها مدارا کن و عذرشان را بپذیر و به نیکیها دعوت نما و از جاهلان روی بگردان (و با آنها ستیزه مکن). در نهج‌البلاغه درباره عفو به نکته مهمی اشاره شده است و آن، عفو در مقام قدرت است: «وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَوْلَى النَّاسِ بِالْعَفْوِ أَقْدَرُهُمْ عَلَى الْعُقُوبَةِ. و درود خدا بر او فرمود: سزاوارترین مردم به عفو کردن، تواناترینشان در کیفر دادن است» (نهج-البلاغه، ۱۳۸۷: حکمت ۴۹)

در کلیله و دمنه نیز توصیه و تأکید بسیار بر عفو و بخشش شده‌است و در بسیاری از حکایات این کتاب آموزنده می‌توانیم جلوه‌هایی از عفو و بخشایش را مشاهده کنیم، از جمله در مهم‌ترین باب این کتاب یعنی باب شیر و گاو یا الاسد و الثور، از زبان شنبه می‌خوانیم که عفو و بخشش، بزرگ‌ترین مشاطه و زیور زندگانی است: «و نمی دانم در آنچه میان من و شیر رفته است خود را جرمی، هرچند در امکان نیاید که دو تن بایک دیگر صحبت دارند، و شب و روز و گاه و بی‌گاه بیک جا باشند، و در نیک و بد و اندوه و شادی مفاوضت پیوندند چندان که تحرز و تحفظ و خویشتن داری بکار توانند داشت که سهوی نرود. چه هیچ کس از سهو و زلت خالی و معصوم نتواند بود، و هرگاه که بقصد و عمد منسوب نباشد مجال تجاوز اغماض اندران هرچه فراخ تر

است. و نیز هیچ مشاطه جمال عفو و احسان مهتران را زشتی جرم و جنایت کهتران نیست» (نصرالله منشی، ۱۳۹۲: ۱۱۶-۱۱۷).

۳-۱-۱۲- زشتی غیبت و سخن چینی

از بدترین بدی‌های انسان که هم به خودش آسیب می‌زند و هم به دیگران، غیبت و سخن چینی است. خداوند متعال می‌فرماید: «وَلَا يَغْتَبْ بَعْضُكُمْ بَعْضًا أَيُّحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ» (اعراف: ۱۲)؛ یعنی: باید غیبت نکند بعضی از شما بعضی دیگر را، آیا دوست می‌دارد یکی از شما که بخورد گوشت برادر خود را در حالتی که مرده باشد؟ پس کراهت می‌دارید شما آن امر را. غیبت، کردار زشت حاسدان و بدگویان است. در کلیله و دمنه و مرزبان‌نامه، حاسدان و بدگویان پررنگ‌تر و تأثیرگذارتر از بیشتر شخصیت‌های اخلاقی (بخشنده، دزد، مهربان و...) هستند. علت این امر، صورت سیاست‌نامه‌ای داشتن این دو کتاب است و بی‌شک، حوزه‌ی سیاست از وجود این افراد با چنین رذایل اخلاقی ناگزیر است.

در کلیله و دمنه بر زشتی غیبت و سخن چینی بسیار تأکید شده و مخصوصاً دو باب شیر و گاو و بازجست کار دمنه، مبتنی بر زشتی سخن چینی و تخریب است: «جهان از حاسد و بدگوی پاک نتوان کرد، و تا اقبال ملک بر من باقی است حسد یاران برقرار باشد. و بدین استماع که ملک سخن ساعیان را فرمود ملک را سهل‌الماخذ شمرند و هر روز تخریبی تازه رسانند و هرساعت ریبتی نو در میان آرند. و هر ملک که چربک ساعی فتنه‌انگیز را در گوش جای داد و به زرق و شعوده تمام التفات نمود خدمت او جان بازی باشد و از آن احتراز نمودن فریضه گردد» (نصرالله منشی، ۱۳۹۲: ۳۲۷)

به نظر صاحب کلیله و دمنه، خطرناک‌تر از آنکه سخن چینی می‌کند، آن کسی است که سخن چینی را می‌شنود، زیرا او محرک سخن چینی است. از کسی که گوش خود را از فحش و غیبت باز نمی‌تواند داشت، باید دوری جست: «... از دو تن دوری باید گزید: یکی آن‌که نیکی و بدی یکسان پندارد و عقاب عقبی را انکار آرد، و دیگر آن‌که چشم را از نظر حرام و گوش را از سماع و فحش و غیبت و فرج را از ناشایست، و دل را از اندیشه حرص و حسد و ایذا باز نتواند داشت» (همان، ۳۸۰). در کلیله و دمنه به وضوح می‌خوانیم: «و زبان را از دروغ و نامی و سخنانی که از او مضرتی تواند زاد، چون فحش و بهتان و غیبت و تهمت، بسته گردانید» (همان: ۵۱).

چنان‌که گفته شد، در کلیله و دمنه، اساس باب اول، «شیر و گاو» و باب دوم «بازجست کار دمنه» بر مبنای تخریب و دو به هم‌زنی است. گاو به یک‌باره در جنگل (سرزمین شیرشاه) پدیدار می‌شود و به مدد دو شغال به دربار راه می‌یابد. دو شغال نیز به خاطر آن لطف جایگاهی عظیم می‌یابند لیکن، حسادت باعث می‌شود یکی از شغالان نقشه‌ی قتل گاو را طراحی می‌کند. او با دو به هم‌زنی و سخن چینی در نزد شیر، وی را ضد گاو تحریک می‌کند و به فرجام شیر خشمگین، گاو را می‌کشد. داستان این سخن چینی و فتنه‌جویی، دو باب را به خود اختصاص داده که بیانگر اهمیت تیزهوشی پادشاه در برخورد با سخن چینی و جلوگیری از نتایج و عواقب خسارت‌بار آن است. باب نخست داستان این‌گونه آغاز می‌شود: «رای هند فرمود برهمن را که بیان کن از جهت من مثل دو تن که به یکدیگر دوستی دارند و به تخریب تمام خائن بنای آن خلل پذیرد و به عداوت و مفارقت کشد. برهمن گفت که هرگاه که دو دوست به مداخلت شریبری مبتلا گردند هر آینه میان ایشان جدایی افتد.» (نصرالله منشی، ۱۳۹۲: ۵۹)

۳-۱-۱۳- پرهیز از حسادت

رشک و غبطه اگر موجب رقابت و ایجاد تحرک در انسان برای وصول به مدارج بالاتر کمال باشد، نیک است و باید چنین حسی را گرمی داشت، اما حسادت که عبارت از نفی دیگران و دشمنی کردن با دیگران به سبب آنچه دارند، در هرحالی بد و غیراخلاقی است. به کودکان و نوجوانان باید رقابت را آموخت و حسادت را تضعیف و محو کرد (عباسی ولدی، ۱۳۹۶: ۶۳). امام صادق (ع) فرموده‌اند: الْحَاسِدُ مُضِرٌّ بِنَفْسِهِ قَبْلَ أَنْ يُضِرَّ بِالْمَحْسُودِ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۳: ۲۵۳)؛ شخص حسود پیش از آن که به محسود زیان برساند به خودش ضرر می‌رساند. روح حسد این است که انسان نتواند دیگران را در نعمتی ببیند و کوشش کند به نحوی آن نعمت از آنها سلب گردد و یا از طریق دیگری زبانی بر آنها وارد شود.

در واقع حسود همیشه به صورت یک عامل عقب ماندگی فعالیت می کند نه یک عامل پیشرو. حسد یک بیماری بزرگ اخلاقی است و از نظر روانی حسود بیش از هرکس خودش می سوزد و آب می شود و عقب می ماند و تحقیر می گردد، پس چه بهتر که بکوشد از دیگران پیشی بگیرد نه این که دیگران را به عقب بکشانند. نصرالله منشی، به این موضوع اشاره می کند که پادشاهان خود از ارزش های محسود باخبرند و از دیگرسوی، می دانند که نزدیکان خودشان هم جز بدسگالی و بداندیشی کار دیگری ندارند: «شیر گفت: کار نزدیکان ملوک حسد و منازعت و بدسگالی و مناقشت است، و روز و شب در پی یک دیگر باشند و گرد این معانی برآیند، و هر که هنر بیش دارد در حق او قصد زیادت رود و او را بدخواه و حسود بیش یافته شود.» (نصرالله منشی، ۱۳۹۲: ۱۴۱). «...و حسد جاهل از عالم، و بدکردار از نیکو فعل، و بددل از شجاع مشهور است ... و غالب ظن آنست که قاصدان، آن گوشت در منزل شگال نهاده باشند، و این قدر در جنب کید حاسدان و مکر دشمنان اندک نماید. و محاسدت اهل بغی پوشیده نیست خاصه جایی که اغراض معتبر در میان آمد ... و خدمتگاران تو در منزلهایی که کم از رتبت شگال است حسد را می دارند، اگر در آن درجه منظور مناقشتی رود بدیع نیاید. در این کار تاملی شافی فرمای و تدارک آن از نوعی اندیش که لایق بزرگی تو باشد، که چون حقیقت حال شناخته گشت کشتن او بس تعذری ندارد» (همان: ۳۲۲-۳۲۱). حسد، باعث برافروختن آتش جنگ در خاندان شاهی شد: «پس از مدتی دواعی حسد در میانه پدید آمد و مستدعی طلب ملک شدند» (همان)

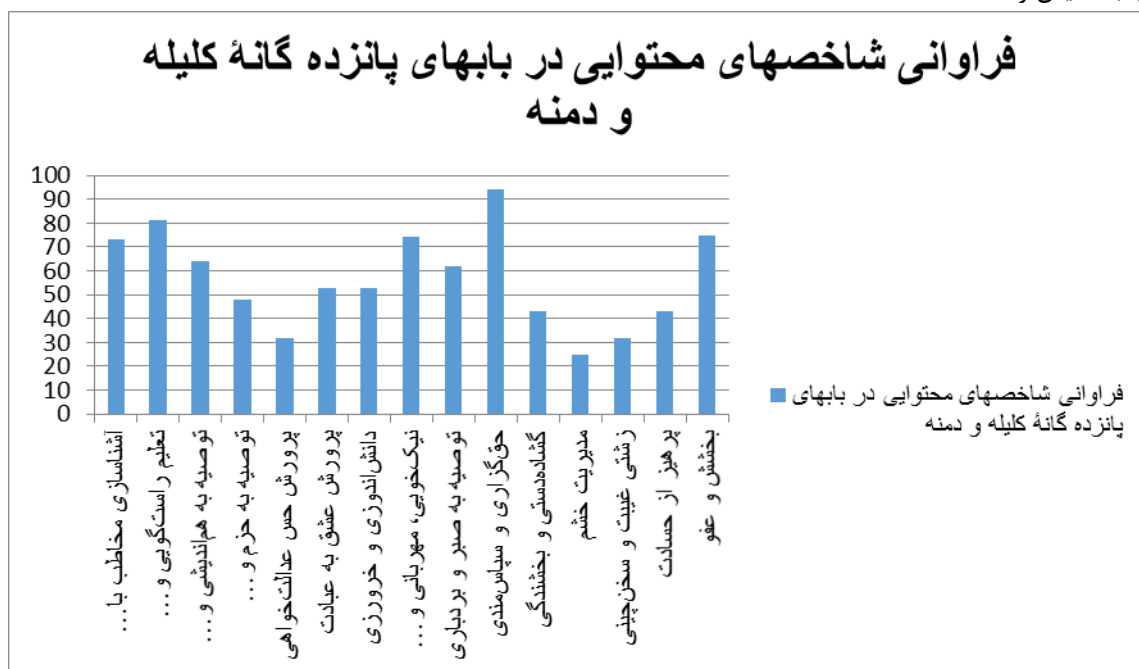
۳- نتیجه گیری

ادبیات کودک و نوجوان، یکی از گونه های کهن ادبی در میان ایرانیان است. هر چند که این گونه ادبی با همین نام یعنی نام ادبیات کودک و نوجوان در گذشته ادب فارسی پیشینه ندارد، اما مصداق آن دارای حضوری بسیار کهن است و در متون ایرانی میانه، شاهد حضور نمونه هایی از ادبیات کودک و نوجوان هستیم. مطابق گواهی مورخان دوره اسلامی، از همان دوره ساسانیان، کلیله و دمنه به عنوان کتابی برای تعلیم و تربیت کودکان و نوجوانان به کار می رفته است. همچنین برادر کلیله و دمنه، یعنی کتاب ارجمند مرزبان نامه، اگرچه در دوره اسلامی به نثر مصنوع بازنویسی شده است، اما در اصل به شاخه هایی از زبان فارسی میان بوده است و از آنجا که این کتاب نیز به مانند کلیله و دمنه، دارای کارکرد ادبیات کودک و نوجوان است، بدین سبب می توانیم با قطعیت تمام، آغاز ادبیات کودک و نوجوان را در ایران به دوران ایرانی میانه و روزگار پیش از اسلام بازگردانیم. از جانب دیگر، ادبیات تعلیمی نیز در ایران سابقه ای بسیار دیرینه دارد. انبوهی از اندرزننامه ها که برخی از آنها به زرتشت و معاصران وی منسوب هستند، نشان می دهد که از همان طلیعه پایه گذاری کشور ایران و پیدایش اندیشه و متون ایرانی، اندرزننامه ها و متون اخلاقی و تعلیمی در میان ایرانیان حضور گسترده داشته است و خود کلیله و دمنه و مرزبان نامه نیز جزئی از جریان ادبیات تعلیمی و اندرزی هستند. در دوره اسلامی هم التقای ادبیات کودک و نوجوان و ادبیات تعلیمی را در کتاب هایی مانند نصاب الصبیان می توانیم مشاهده کنیم، اما دوران استقلال ادبیات کودک و نوجوان به روزگاران اخیر بازمی گردد و مخصوصاً در عصر مشروطه و مابعد آن، شاهد حضور کاملاً مستقل ادبیات کودک و نوجوان و کارکردهای تعلیمی آن در پهنه ادبیات فارسی هستیم.

در مقاله حاضر، کتاب کلیله و دمنه که محل التقا و تقاطع دو گونه ادبیات کودک و نوجوان و ادبیات تعلیمی است، به بحث و بررسی کشیده شد تا ظرفیت های تعلیمی این اثر برای کودکان و نوجوانان شناسایی و تبیین شود. مطابق بررسی های این پژوهش، ظرفیت های تعلیمی کلیله و دمنه را در سطح محتوا و درون مایه می توان بررسی کرد.

در سطح درون مایه، شاهد اندیشه های اندرزی و تعلیمی ژرفی هستیم که این اندیشه ها حاصل قرن ها تشریح اندیشه و انباشت افکار هندیان و ایرانیان تحت تاثیر چندین دین از قبیل دین برهمنی، دین بودایی، دین زرتشتی، دین مانوی و سرانجام دین اسلام است. کمتر کتاب بشری را می توان سراغ گرفت که در حجم محدود خود اندیشه چندین ملت و چندین دین را فشرده باشد و به صورتی هماهنگ تقدیم بشریت نماید و این شگفت کاری در کلیله و دمنه به خوبی رخ داده است. بنابراین درخشش اندرزا و تعلیم کلیله و دمنه را می توان در این هم اندیشی و تشریح فکر و اندیشه جست و جو کرد. در کلیله با دمنه به همان سان که می توان ردپای اندیشه های هندی را مشاهده کرد، می توان ردپای اندیشه های ایرانی را نیز دید و همان گونه

که می توان شماری از بندهای این کتاب را بر باورهای زرتشتی مانوی و بودایی منطبق کرد، می توان نشانه های آیات و احادیث اسلامی را در آن ها ردیابی کرد. تعالیم و اندیشه های ژرف در کلیله و دمنه بسیارند، اما برجسته ترین آنها که در این پژوهش با ذکر نمونه تبیین شدند، عبارتند از راستگویی، خردورزی، مشاورت، پرهیز از حسد، مدیریت خشم، پرهیز از بخل، بخشش، بخشایش و عدالت.



فهرست منابع

- قرآن کریم.
- حاجی ده آبادی، محمدعلی. (۱۳۷۹). «چشم اندازی به جایگاه و نقش اخلاق در آموزش و پرورش». *مجله مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی*. شماره ۲. صص ۱۹۳-۲۱۴.
- حسینی کازرونی، سیداحمد؛ کمالی بانیانی، محمدرضا. (۱۳۹۲). «نقش ادبیات تعلیمی در تحول ساختاری و محتوایی قالب شعر انقلاب». *فصلنامه تحقیقات تعلیمی و غنایی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر*. شماره ۱۶. صص ۱۱۱-۱۱۳.
- بازیار، محمد. (۱۳۹۹). «بررسی ارزش ها و ضد ارزش ها در کتاب کلیله و دمنه». *منتشرشده در همایش سومین کنگره ملی فرهنگ و ادبیات فارسی*.
- جعفریان، رسول. (۱۳۷۴). *ملاحسین واعظ کاشفی و کتاب روضه الشهداء*. آینه پژوهش. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- جهانگرد فرانک. (۱۳۹۲). «عبدالله ابن مقفع و افزودن اندیشه های مانوی به کلیله و دمنه». *مجله تاریخ ادبیات*. شماره ۷۳. صص ۱۴۹-۱۶۷.
- چوپانیان، جواد. (۱۳۹۳). «شناخت بهتر بُرزویه طیب بر اساس کلیله و دمنه». *پژوهش های علوم تاریخی*. دوره ۶. شماره ۱. صص ۳۳-۵۲.
- حدادی، زهرا و کمال الدینی، سیدمحمدباقر. (۱۳۹۸). «تحلیلی بر بازنویسی قصه های کلیله و دمنه اثر مهدی آذر یزدی». *منتشرشده در فصلنامه فرهنگ یزد*.
- خطیب تبریزی، جلال الدین محمد بن عبدالرحمن. (۲۰۰۳م). *ایضاح فی علوم البلاغه*. التحقیق ابراهیم شمس الدین. بیروت: دارالکتب العلمیه.

- خلیلی جهان تیغ، مریم و دهرامی، مهدی (۱۳۹۰). «ادبیات تعلیمی و تربیتی در شاهنامه فردوسی». پژوهشنامه ادبیات تعلیمی دانشگاه آزاد واحد دهقان. سال ۳. شماره ۱۱. صص ۴۱-۵۸.
- ذبیح‌نیا عمرا، آسیه و سنگکی، سمیه. (۱۳۹۹). «تعلیم الگوی حکومت در کلیله و دمنه و گلستان سعدی» (۱۳۹۹). منتشرشده در پژوهشنامه ادبیات تعلیمی.
- رستم‌وندی، تقی. (۱۳۸۷). «آز و داد: آسیب‌شناسی سیاسی شهرداری در شاهنامه». پژوهش سیاست نظری. شماره ۵. صص ۱۲-۳۱.
- داد، سیما. (۱۳۸۵). فرهنگ اصطلاحات ادبی. تهران: مروارید.
- دوفوشه کور، ه. (۱۳۷۷). اخلاقیات. ترجمه محمدعلی امیرمعزی و عبدالمحمد روح بخشان. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۷). لغت‌نامه. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- رازی، شمس‌الدین. (۱۳۶۹). المعجم فی معاییر اشعار العجم. تهران: امیرکبیر.
- رزمجو، حسین. (۱۳۷۴). انواع ادبی و آثار آن. مشهد: آستان قدس رضوی.
- رستگار فسایی، منصور. (۱۳۸۰). انواع شعر. شیراز: نوید شیراز.
- رضی. احمد. (۱۳۹۱). «کارکردهای تعلیمی ادبیات». پژوهش‌نامه ادبیات تعلیمی دانشگاه آزاد اسلامی دهقان. شماره ۱۵. صص ۱۰۲-۱۱۹.
- رودکی، جعفر بن عبدالله. (۱۳۸۵). دیوان رودکی سمرقندی. به کوشش سعید نفیسی. چاپ چهارم. تهران: انتشارات نگاه.
- زرین کوب، حمید. (۱۳۵۵). «نگاهی به کتاب کلیله و دمنه». مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد. سال دوازدهم. شماره ۴۷. صص ۴۱۵-۴۲۸.
- سادات شریفی، سیدفرشید و حیایی طهرانی، نسرین. (۱۳۹۶). «پی‌رنگ تعلیم (سنجش تطبیقی باب «شیر و گاو»، در سه تحریر از کلیله و دمنه با تکیه بر عنصر داستانی)». پژوهشنامه ادبیات تعلیمی. شماره ۱۰۵-۱۳۶. صص ۱۰۵-۱۳۶.
- سعدی، مصلح‌الدین. (۱۳۶۸). گلستان. به تصحیح غلامحسین یوسفی. تهران: خوارزمی.
- شریف‌پور، عنایت‌الله و محمدی، محتشم. (۱۳۸۷). «اندیشه سیاسی در کلیله و دمنه». مجله ادب و زبان دانشگاه باهنر کرمان. شماره ۲۴. صص ۵۳-۶۹.
- شعاری‌نژاد، علی‌اکبر. (۱۳۷۵). فلسفه آموزش و پرورش. تهران: امیرکبیر.
- شفیع کدکنی، محمدرضا. (۱۳۵۰). صور خیال در شعر فارسی. تهران: انتشارات نیل.
- _____ (۱۳۷۲). «انواع ادبی و شعر فارسی». رشد آموزش ادب فارسی. شماره ۸. شماره ۳۲. صص ۹۶-۱۱۹.
- شکوهی، غلامحسین. (۱۳۷۸). مبانی و اصول آموزش و پرورش. مشهد: به‌نشر.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۸۳). انواع ادبی. تهران: فردوس - شیخ‌لووند، فاطمه و مستعلی‌زاد، تهمینه. (۱۳۹۵). «بررسی اخلاق مدیریتی در کلیله و دمنه». منتشرشده در پژوهشنامه ادبیات تعلیمی.
- صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۸۴). تاریخ ادبیات ایران. تهران: فردوس.
- طوسی، نصیرالدین. (۱۳۷۳). اخلاق ناصری. به تصحیح مینوی و علیرضا حیدری. تهران: انتشارات خوارزمی.
- عبداللّهی، منیژه. (۱۳۸۱). فرهنگنامه جانوران در ادب فارسی. تهران: نشر پژوهنده.
- عبید زاکانی (۱۹۹۹). کلیات. تصحیح محمد جعفر محبوب. زیر نظر احسان یارشاطر. نیویورک: بنیاد میراث پارسی.
- عفیفی، رحیم. (۱۳۸۳). اساطیر و فرهنگ ایرانی. تهران: توس.
- غزالی، محمد. (۱۳۸۷). کیمیای سعادت. تصحیح احمد آرام. تهران: گنجینه.
- فرزانه، سیدمحمد. (۱۳۳۴). «نظری به حواشی کلیله و دمنه». مجله یغما. شماره ۹۱. صص ۵۰۴-۵۱۰.
- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۹۳). شاهنامه فردوسی. چاپ اول. تهران: سخن.
- عباسی‌ولدی، محسن. (۱۳۹۶). من دیگر ما. تهران: آیین فطرت.

- عسکری، علی و جلال، صدیقه. (۱۳۹۹). «بررسی آموزه اخلاقی صداقت در کتاب کلیله و دمنه و افسانه‌های لافونتن». منتشرشده در چهارمین همایش بین‌المللی زبان و ادبیات فارسی.
- فیروزآبادی، محمدبن یعقوب. (۱۴۱۲ق). *القاموس المحیط*. بیروت: دار احیاء التراث العربیه.
- قزل ایاغ، ثریا. (۱۳۸۳). *ادبیات کودکان و نوجوانان و ترویج خواندن*. تهران: سمت.
- کاردان، علی محمد؛ اعرافی، علیرضا؛ پاک‌سرشت، محمدجعفر؛ حسینی، علی‌اکبر؛ ایرانی، حسین. (۱۳۷۲). *فلسفه تعلیم و تربیت*. تهران: سمت.
- *کارنامه اردشیر بابکان*. (۱۳۸۲). به کوشش بهرام فره‌وشی. چاپ سوم. تهران: موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
- کاشفی سبزواری، میرزا حسین. (۱۳۶۹). *بدایع الافکار فی صنایع الاشعار*. تصحیح میرجلال‌الدین کزازی. تهران: مرکز.
- کولایبان، درویشعلی. (۱۳۸۸). «کلیله و دمنه از کجا آمده است؟». *مجله حافظ*. شماره ۶۳. صص ۳۵-۴۰.
- مارانی، فهیمه؛ محمدی فشارکی، محسن؛ ابن‌الرسول، سیدمحمدرضا. (۱۳۹۹). «تحلیل مقایسه‌ای دو ترجمه فارسی کلیله و دمنه (مطالعه موردی: حکایت بوزنگان / حمدونگان)». *متن شناسی ادب فارسی*. شماره ۴۵. صص ۱-۲۲.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳). *بحار الانوار*. چاپ دوم. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- محمد بخاری. (۱۳۶۱). *داستان‌های بیدپای*. تصحیح پرویز ناتل خانلری. تهران: خوارزمی.
- محمدقاسمی، حمید. (۱۳۸۸). *تمثیلات قرآن و جلوه‌های تربیتی آن*. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- محمدی، محمدهادی. (۱۳۸۷). *فانتزی در ادبیات کودکان*. تهران: نشر روزگار.
- مستوفی، حمدالله. (۱۳۴۹). *تاریخ‌گزیده*. تهران: امیرکبیر.
- مشرف، مریم. (۱۳۸۹). *جستارهایی در ادبیات تعلیمی ایران*. تهران: سخن.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۸۳). *انسان کامل*. تهران: صدرا.
- ملایی، غلامحسین. (۱۳۸۳). «تمثیل در ادبیات ایران و جهان». *مجله رشد آموزش زبان و ادب فارسی*. شماره ۷۰. صص ۵۶-۵۹.
- میرصادقی، جمال. (۱۳۸۵). *واژه‌نامه هنر شاعری*. تهران: مهناز.
- محبوب، محمدجعفر. (۱۳۳۶). *درباره کلیله و دمنه*. چاپ چهارم. تهران: خوارزمی.
- نصرالله منشی. ابوالعالی. (۱۳۹۲). *کلیله و دمنه*. به کوشش مجتبی مینوی. چاپ دوم. تهران: ثالث.
- نیری فلاح، سیده نرجس. (۱۳۹۹). «تحلیل ظرفیت‌های آموزشی حکایت‌های کلیله و دمنه به کودکان غیر فارسی‌زبان». منتشر شده در همایش الزامات آموزش زبان و ادبیات فارسی در مدارس، مراکز زبان‌آموزی، دانشگاه‌ها و فضای مجازی.
- ویتیکر، تاد. (۱۳۹۹). *تربیت خلاق و ماهرانه*. ترجمه راضیه سادات شجاعی. تهران: سازوکار.
- یلمه‌ها، احمدرضا. (۱۳۹۰). «آموزه‌های تعلیمی در منظومه غنایی محب و محبوب». *لسان‌مبین*. سال ۳. شماره ۶. صص ۱۵۰-۱۷۶.
- _____ . (۱۳۹۵). «بررسی خاستگاه ادبیات تعلیمی منظوم و سیر تطور و تحول آن در ایران». *پژوهشنامه ادبیات تعلیمی*. سال ۸. شماره ۲۹. صص ۶۱-۹۰.
- نعمانی، شبلی. (۱۳۶۸). *شعر العجم*. ترجمه محمدتقی فخر گیلانی. تهران: دنیای کتاب.
- نورتون، دونا. (۱۳۸۲). *شناخت ادبیات کودکان (گونه‌ها و کاربردها از روزن چشم کودک)*. ترجمه منصوره راعی و دیگران. تهران: قلمرو.
- نهج‌البلاغه. (۱۳۸۷). محمد شریف رضی. ترجمه محمد دشتی. چاپ ۳۲. قم: الهادی.